

حق افشای اثر ادبی و هنری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)

سعید محسنی^{۱*}، سیدمحمد مهدی قبولی درافشان^۲
۱ و ۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

چکیده

«حق افشای اثر» از حقوق معنوی پدیدآورنده اثر ادبی و هنری است که براساس آن، پدیدآورنده حق دارد درباره عرضه کردن یا عرضه نکردن اثر خود به عموم تصمیم‌گیری کند. حق یادشده که برای حمایت از شخصیت پدیدآورنده در نظام حقوقی فرانسه به‌صراحت پذیرفته شده است، از متون قانونی ایران نیز قابل استنباط است. به منظور گسترش متون حقوقی ایران در زمینه حق افشای اثر، نوشتار حاضر ضمن تبیین مفهوم و قلمرو حق افشا، چگونگی اجرا و پایان یافتن حق افشا و آثار مترتب بر اعمال حق مزبور در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه را بررسی کرده است. با توجه به یافته تحقیق حاضر، اعمال حق افشا عمل حقوقی یک‌جانبه، و مستلزم وجود و ابراز اراده و اصولاً نیازمند رضای شخصی پدیدآورنده است. حق افشا که با نخستین اعمال آن پایان می‌یابد، زمینه‌ساز پیدایش حقوق مالی پدیدآورنده است، در نتیجه، تا قبل از اعمال آن، امکان توقیف اثر ادبی و هنری به‌منظور بهره‌برداری مالی میسر نیست. حق یادشده بر لزوم اجرای تعهدات قراردادی پدیدآورنده تأثیرگذار است. هرچند این امر مسئولیت پدیدآورنده در قبال خسارت‌های طرف قرارداد را از بین نمی‌برد.

واژگان کلیدی

پدیدآورنده، حق افشا، حقوق ادبی و هنری، حقوق معنوی.

مقدمه

حقوق ادبی و هنری به عنوان یکی از شاخه‌های مهم مالکیت فکری، دو جنبه مالی و معنوی دارد. در واقع، لزوم توجه به شخصیت پدیدآورنده و حمایت از آن موجب شده است در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله حقوق فرانسه و ایران، در کنار حقوق مالی آثار ادبی و هنری، حقوق معنوی پدیدآورنده نیز مطرح شود. البته در نظام‌های حقوقی پذیرای حقوق معنوی، در زمینه مصادیق حقوق مزبور و نیز ویژگی‌ها، آثار و احکام هر یک از حقوق مذکور، تفاوت‌هایی وجود دارد.

در این میان یکی از حقوق معنوی پدیدآورنده اثر ادبی و هنری در نظام حقوقی فرانسه، «حق افشای اثر» است که در نظام‌های حقوقی مختلف از آن با تعبیرهای مختلف یاد می‌کنند (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۸۱-۸۰). در نظام حقوقی ایران نیز تعبیر واحدی برای بیان حق یادشده وجود ندارد. «حق انتشار» (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۴)، «حق تصمیم‌گیری برای انتشار» (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۸)، «حق انتشار یا عدم انتشار» (امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹)، و «حق افشای اثر» (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰) از جمله تعبیرهایی است که نویسندگان حقوق ایران به کار برده‌اند. در این میان، اصطلاح اخیر از سویی، با معادل امروزی فرانسوی آن^۱ هماهنگ‌تر به نظر می‌رسد و از سوی دیگر، از خلط حق معنوی مزبور با حق انتشار اثر به عنوان یکی از حقوق مالی اثر ادبی و هنری جلوگیری می‌کند.

برخلاف پیش‌بینی اجمالی حقوق معنوی در نظام حقوقی ایران، حق مزبور در متون قانونی تصریح نشده است و متون حقوقی در این زمینه از غنای کافی ندارد. این واقعیت ابهام‌هایی را در زمینه پذیرش حق افشا و احکام و آثار آن ایجاد کرده است. به این جهت، نوشتار حاضر در صدد است ضمن تبیین مفهوم و مبنای حق افشا و بیان استثنائات آن (مبحث نخست)، چگونگی اجرای حق افشا و پایان‌یافتن را بررسی کند (مبحث دوم) و از سوی دیگر، آثار اجرا یا عدم اجرای حق افشا را بررسی کند. (مبحث سوم).

1. Droit de divulgation

مبحث نخست: مفهوم، مبنا و استثنائات حق افشا

برای شناخت شایسته حق افشا، از سویی، باید مفهوم، مبنا و ویژگی‌های این حق تبیین شود (بند نخست) و از سوی دیگر، محدودیت‌هایی که بر وجود یا اجرای حق مزبور مؤثر است شناسایی شود (بند دوم).

بند نخست: مفهوم، مبنا و ویژگی‌های حق افشا

در نظام حقوقی فرانسه در حوزه حقوق ادبی و هنری، افشای اثر عبارت از تصمیم به ارائه و در دسترس عموم قرار دادن آن است. در واقع، با تحقق افشا، اثر در معرض داوری و قضاوت عموم قرار می‌گیرد (Colombet, 1976, p.131). براساس ماده 2-L.121 قانون مالکیت فکری فرانسه^۱، که در فصل مربوط به حقوق معنوی پدیدآورنده درج شده است، تصمیم‌گیری درباره افشا یا عدم افشای اثر یکی از حقوق معنوی پدیدآورنده در نظر گرفته شده است. براساس این حق، اصولاً شخص پدیدآورنده اختیار دارد درباره این که آیا اثرش شایستگی ارائه به عموم را دارد و آیا اثر پدیدآمده با اهداف و مطلوب او تناسب دارد یا خیر، تصمیم‌گیری کند. از دیرباز رویه قضایی فرانسه نیز این حق را پذیرفته است (cf. Pollaud-Dulian, 2005, p.406).

مبنای حق مزبور را باید در ارتباط وثیق اثر ادبی و هنری با شخصیت پدیدآورنده جست‌وجو کرد. به بیان دیگر، از آنجا که اثر ادبی و هنری با شخصیت پدیدآورنده ارتباط دارد، حق افشای اثر نیز در انحصار اوست. حتی به تعبیر برخی نویسندگان فرانسوی (Colombet, 1976, p.131)، حق افشای اثر بارزترین نمود حق بر شخصیت است. بدین ترتیب، اصولاً پدیدآورنده حق دارد برای افشای اثر خود تصمیم بگیرد و هیچ شخصی نمی‌تواند در این زمینه مانع او شود. براساس رویه قضایی فرانسه^۲، عمل شخص ثالث مبنی بر ممانعت پدیدآورنده از انتشار اثر، می‌تواند لطمه به حق

۱. در قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷، بند نخست ماده ۱۹ حق افشای اثر را پیش‌بینی کرده بود.

۲. TGT Paris, 10 octobre 1988 cité par (Pollaud-Dulian, 2005, p.406).

افشای وی محسوب شود. همچنین، پدیدآورنده می‌تواند برای عدم انتشار تصمیم بگیرد و هیچ شخصی نمی‌تواند او را به این اقدام وادار کند. زیرا تخلف از این قاعده، موجب تجاوز به شخصیت پدیدآورنده است. حتی حق افشای اثر، به پدیدآورنده اختیار می‌دهد که برخلاف قرارداد بستن با دیگری و برخلاف تعهد قراردادی، از تحویل اثر خودداری کند (Pollaud- cf. Dulian, 2005, pp.405-406).

باید توجه کرد حق افشا نه فقط ناظر به اصل تصمیم‌گیری درباره ارائه اثر به عموم است، بلکه براساس حق مزبور، پدیدآورنده می‌تواند درباره زمان و شیوه انتشار نیز تعیین تکلیف کند. براساس ماده ۲-۱۲۱ L. قانون مالکیت فکری فرانسه، پدیدآورنده با رعایت احکام مقرر در ماده ۲۴-۱۳۲ L. شیوه افشا و شرایط آن را تعیین می‌کند. بنابراین، وی می‌تواند از میان شیوه‌های انتشار، شیوه‌ای را که مناسب‌تر تشخیص دهد، انتخاب کند. برای مثال اینکه نمایشنامه‌اش در قالب تئاتر درآید یا به شکل کتاب منتشر شود، در اختیار اوست. همان‌طور که اکران اثر سینمایی در سالن‌های سینما یا پخش تلویزیونی آن، یا انتشار آن از طریق تکثیر لوح‌های فشرده (CD) جزء اختیارات او تلقی می‌شود.

شایان ذکر است در حقوق فرانسه، از ابتدا حق افشا به مفهوم و وضوح امروزی مطرح نبوده است؛ بلکه آنچه در بدو امر (که هنوز حقوق معنوی شناخته‌شده نبود) توسط آرای قضایی^۱ در این زمینه مطرح شد، مفهوم انتشار (Publication) بود که ظاهر و ویژگی مادی داشت. لیکن به تدریج، «انتشار» جای خود را به «افشای اثر» (Divulgation) داد. مفهوم اخیر، حقی کاملاً متفاوت است که براساس آن جنبه معنوی بر آثار مالی سایه می‌افکند (Lucas, 2001, p.311).

دادگاه تجدیدنظر پاریس در سال ۱۹۳۱ در دعوی «کاموئن علیه کارگو» همه تردیدها را از بین برد. براساس این رأی، «مالکیت ادبی و هنری برای دارنده‌اش، متضمن حقی است که اصلاً جنبه مالی ندارد، اما با توجه به وابستگی آن به شخص خود پدیدآورنده (مؤلف) یا هنرمند، برای وی

1. Cass. Req., 16 août 1880; CA. Bourges 14 juin 1844, cité par (Lucas, 2001, p.311).

این امکان را فراهم می‌کند که در طول حیاتش اثرش را فقط به شیوه و با شرایطی که مناسب می‌داند، به عموم تسلیم نماید.^۱ از این رأی این گونه استنباط شده است که نه فقط پدیدآورنده حق انتخاب کیفیت‌های اولین افشا را دارد، بلکه کیفیت‌های مزبور و غایت مشخص شده برای این افشا می‌تواند بازتاب و انعکاسی فراتر از اولین انتشار نیز داشته باشد (Pollaud-Dulian, 2005, p.407).

در این راستا، پدیدآورنده حق دارد تصمیم‌گیری کند که اثرش با نام حقیقی یا با نام مستعار و حتی بدون نام، منتشر یا عرضه شود و در دسترس عموم قرار گیرد. از ماده 6-113 L که از آثار بی‌نام یا بانام مستعار حمایت می‌کند، به وضوح، اختیار پدیدآورنده درباره تصمیم‌گیری مبنی بر انتشار اثر بی‌نام یا بانام مستعار، استنباط می‌شود.

برای تبیین مناسب‌تر حق افشای اثر، توجه به ویژگی‌های آن نیز شایسته است. از سویی، حق یادشده، حقی دائمی است. از ماده 2-121 L قانون مالکیت فکری فرانسه ویژگی مزبور قابل استنباط است. براساس این ماده، حق افشا حتی پس از انقضای حقوق انحصاری بهره‌برداری، باقی می‌ماند. با توجه به وصف دائمی بودن حق افشای اثر، شمول مرور زمان نسبت به حق مزبور منتفی و سخن گفتن از قابلیت اسقاط آن بی‌معنی است.

از سوی دیگر، ماده 2-121 L قانون مالکیت فکری فرانسه، حق افشای اثر در زمان حیات پدیدآورنده را فقط متعلق به او دانسته است. البته ماده مزبور درباره اعمال حق افشا پس از وفات پدیدآورنده نیز ترتیباتی اندیشیده است. با توجه به انحصار اعمال حق افشای اثر در زمان حیات پدیدآورنده به شخص وی، باید حق مزبور را غیرقابل انتقال از طریق ارادی دانست (cf. Pollaud-Dulian, 2005, p.406 & 412). به علاوه، حق حرمت اثر که در معنای عام، حق افشای اثر را نیز دربردارد^۲، براساس ماده 1-121 L متعلق به پدیدآورنده و غیرقابل انتقال در نظر گرفته شده است.

1. CA Paris, 6 mars 1931, cité par (Lucas, 2001, p.312; Pollaud-Dulian, 2005, p.407).

۲. برخی نویسندگان فرانسوی (یوناسکو، ۱۳۵۵، ص ۴۸) ضمن اشاره به مفهوم عام حق حرمت، اختیار مطلق پدیدآورنده درباره افشای اثر، اصلاح آن و جز آن را از نتایج آن معرفی کرده‌اند.

برخی حقوق‌دانان فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, p.387)، ضمن استناد به ماده ۱-121.L برای اثبات عدم قابلیت انتقال حقوق معنوی، به‌طور کلی، ویژگی عدم قابلیت انتقال حقوق مزبور را مرتبط با نظم عمومی در نظر گرفته‌اند، رویه قضایی را در پذیرش ویژگی مزبور مقدم و سابق بر قانون‌گذار معرفی کرده‌اند.

در متون قانونی ایران، تصریحی درباره حق افشا وجود ندارد. لیکن در نظام حقوقی ایران نیز، آثار ادبی و هنری انعکاس شخصیت افراد است و استقلال شخصیت افراد ایجاب می‌کند امور وابسته به شخصیت در اختیار طلق ایشان قرار دارد، الزام برخلاف آن مغایر سلطنت شخص بر خویشتن است و آن‌گونه که برخی (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۲) بیان کرده‌اند، سلطنت شخص بر خویشتن امری عقلایی و شرعی است. اصل برائت نیز در این زمینه قابل استناد است. توضیح اینکه اصل مزبور از سویی، نفی‌کننده تکلیف پدیدآورنده مبنی بر انتشار اثر خویش است و از سوی دیگر، ممنوعیت نامبرده از انتشار اثرش را نفی می‌کند. البته اصل مزبور تا جایی کاربرد دارد که دلیلی بر خلاف آن وجود نداشته باشد. بنابراین، اگر دلیلی بر لزوم انتشار یا ممنوعیت آن وجود داشته باشد، تبعیت از دلیل مزبور لازم خواهد بود.

به علاوه، در تأیید نظر یادشده در حقوق ایران حکم مندرج در تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ نیز، قابل استناد است. براساس مقرر مزبور «تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف، مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها، بدون رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان، توقیف نمی‌شود.» بدیهی است هدف از توقیف در مرحله اجرای حکم این است که با انتقال قضایی حقوق مالی موضوع توقیف، امکان اجرای حکم فراهم شود. واضح است تحصیل عواید مالی از تصنیفات، تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده است، مستلزم افشای آن‌هاست. به نظر می‌رسد این که قانون‌گذار موارد مزبور را قابل توقیف ندانسته است، ریشه در شناسایی و حمایت از حق معنوی پدیدآورنده اثر مبنی بر تصمیم‌گیری درباره افشای اثر دارد. به هر حال، با توجه به اهمیت موضوع، شایسته است قانونگذار به صراحت حق افشای اثر را شناسایی کند.

البته گفتنی است در ماده ۲۰ پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری، و حقوق مرتبط که توسط برخی حقوقدانان (شبییری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۷-۲۶) تهیه شده است، حق افشا به صراحت به عنوان یکی از حقوق معنوی پدیدآورنده ذکر شده است. در نظام حقوقی ایران نیز (بر فرض پذیرش حق افشای اثر)، ویژگی‌های یادشده در حقوق فرانسه درباره حق مزبور، قابل پذیرش است. زیرا وابستگی حقوق معنوی (از جمله حق افشا) به شخصیت پدیدآورنده ویژگی‌های مزبور را ایجاب می‌کند. به علاوه، براساس ماده چهارم قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است.

در پایان این قسمت، توجه به این مسئله نیز اهمیت دارد که در برخی نظام‌های حقوقی مانند فرانسه، در کنار حق افشای اثر، از حق معنوی دیگری برای پدیدآورنده با عنوان حق اصلاح یا استرداد^۱ نیز سخن گفته شده است که از جهاتی شباهت با حق افشای اثر دارد. در تمایز دو حق معنوی یادشده، باید توجه داشت از سویی، از نظر زمانی، زمان اجرای حق افشای اثر مقدم بر زمان اجرای حق اصلاح یا استرداد است. به تعبیر برخی نویسندگان فرانسوی (Colombet, 1976, pp.147-148)، حق اصلاح یا استرداد می‌تواند قبل از انتشار (البته پس از اتخاذ تصمیم درباره افشای اثر) یا بعد از انتشار و در جریان بهره‌برداری اعمال شود.

از سوی دیگر، حق افشای اثر به همه آثار ادبی و هنری تعلق دارد، به طوری که حتی به تصریح برخی حقوقدانان فرانسوی (Lucas, 2001, p.312)، حق مزبور درباره نرم‌افزارها نیز اعمال می‌شود، در حالی که حق اصلاح و استرداد قلمرو محدودتری دارد.^۲

1. Droit de repentir ou de retrait

براساس ماده L.121-4 قانون مالکیت فکری فرانسه، که به صراحت بر وجود حق اصلاح یا استرداد اثر صحه گذاشته است، «به رغم انتقال حقوق بهره‌برداری، پدیدآورنده حتی در صورت انتشار اثر، در مقابل انتقال‌گیرنده، از حق اصلاح یا استرداد برخوردار است...» (برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک. Desbois, 1966, pp.436 et s.)

۲. برای ملاحظه تفصیلی قلمرو حق اصلاح و استرداد، رک. Lucas, 2001, p.324; Desbois, 1966, p.440.

به علاوه، ورثه حق افشای اثر نیز براساس ماده ۲-121.L، پس از وفات پدیدآورنده، اعمال می‌کنند، در حالی که نه فقط قانونگذار فرانسه درباره انتقال حق پدیدآورنده مبنی بر اصلاح یا استرداد اثر به ورثه پیش‌بینی نکرده است، بلکه رویه قضایی فرانسه^۱ بر غیرقابل انتقال بودن این حق به ورثه، تأکید دارد.

بند دوم: استثنائات حق افشا

همان‌طور که بیان شد، با پذیرش حق افشای اثر برای پدیدآورنده، او از سویی، حق افشای اثرش را دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند او را به افشای اثر مجبور کند و از سوی دیگر، هیچ‌کس نمی‌تواند مانع افشای اثر توسط او شود. با این وجود، ضرورت‌های اجتماعی و لزوم احترام به اخلاق حسنه و برقراری نظم عمومی می‌تواند منشا استثنائاتی در این زمینه شود. برای نمونه، در نظام حقوقی فرانسه براساس ماده ۴-331.L قانون مالکیت فکری این کشور، حقوق شناخته‌شده برای پدیدآورنده یک اثر (اعم از حقوق مالی و معنوی که حق افشای اثر نیز در عداد آن است)، نمی‌تواند مانع اقدام‌های ضروری برای نظارت‌های پارلمانی، اقدام‌های قضایی و اداری پیش‌بینی شده در قانون، یا انجام‌دادن اقدام‌هایی برای اهداف امنیت عمومی، شود (cf. Pollaud-
(Dulian, 2005, p.406).

در متون قانونی فرانسه درباره تأثیر نظم عمومی و اخلاق حسنه بر حق افشای اثر ادبی و هنری تصریح نشده است. همین امر موجب اختلاف میان حقوقدانان فرانسوی شده است. در این میان؛ برخی^۲ معتقدند ملاحظات نظم اخلاقی نمی‌تواند حمایت قانونی از آثار ادبی و هنری را نفی کند. به اعتقاد ایشان، مبنای حمایت از راه حقوق ادبی و هنری وجود شکلی اصیل است که شرط مزبور به‌عنوان شرطی لازم و کافی برخوردار از حق در نظر گرفته می‌شود. در واقع، حقوق ادبی و به

1. T. Cass. civ. Seine, 10 octobre 1951, cité par (Querub et Bidet-Emeriau, <http://dea-dtcom.u-paris2.fr/Cours/Cours-2008/varet/exposes/l'exercicepostmortemdudroitmoral.doc>; last visited: 23/5/2013).

2. cf. Les chercheurs de l'ERCIM sous la direction de Michel Vivant, 2004, p.89.

محتوای آثار مورد حمایت ندارد. به علاوه، نفی حقوق مزبور به استناد مخالفت با نظم عمومی موجب کنترل افکار می‌شود.

در مقابل، برخی حقوق‌دانان دیگر فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, pp.120-121) معتقدند هرچند حقوق پدیدآورنده در مرحله وجود منوط به شرط شایستگی اثر نیست، لیکن اجرای حقوق مزبور ممکن است براساس قانون، محدود یا حتی ممنوع شود. برای نمونه قوانین جزایی فرانسه به منظور حمایت از کودکان در برابر پیام‌های خشونت‌بار یا هرزه‌نگارانه (به‌ویژه در قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ در زمینه مطبوعات) و نیز به منظور مجازات بیان برخی عقاید زشت و ناپسند، حاوی مقررات متعددی است. به علاوه، اصل احترام به کرامت انسانی و ماده ۹ قانون مدنی که رعایت حریم خصوصی را مقرر کرده است، و نیز مواد ۶، ۱۱۳۳ و ۱۱۷۲ قانون مدنی که قراردادهای مخالف با نظم عمومی و اخلاق حسنه را باطل اعلام می‌کند، و مقررات دیگری از این قبیل، بر تأثیر نظم عمومی و اخلاق حسنه در چارچوب‌های یادشده دلالت دارند. رویه قضایی فرانسه^۱ نیز در برخی موارد، حمایت از آثاری را که متضمن برخی اعمال مجرمانه است، نفی کرده است.

در نظام حقوقی ایران نیز، حق افشای اثر نمی‌تواند به‌طور مطلق پذیرفته شود، بلکه پذیرش آن باید با قیودی همراه باشد. از سویی، براساس اصل ۴ قانون اساسی، باید برادله شرعی دال بر حرمت کتمان علم توجه شود. از سوی دیگر، رعایت اخلاق حسنه و نظم عمومی اقتضا می‌کند وجود و اعمال حق افشای اثر موانع یا محدودیت‌هایی داشته باشد.

درباره کتمان علم، آیات و روایاتی دلالت بر ممنوعیت و حرمت آن است. آیات شریفه ۱۵۹ و ۱۶۰ سوره مبارکه بقره که به آیه کتمان معروف است، دلالت بر حرمت کتمان حقایق و علم دارند. براساس آیات شریفه مزبور، «إن الذین یکتُمون ما أنزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس

۱. برای ملاحظه این قبیل آراء، (رک. Les chercheurs de l'ERCIM sous la direction de Michel Vivant, 2004, pp. 85-87).

فی الكتاب أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللاعنون^۱ و «إلا الذين تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئك أتوب عليهم و أنا التواب الرحیم»^۲. البته هرچند شأن نزول و مخاطبان اولیه آیات اخیر دانشمندان یهود و مسیحی هستند، لیکن می‌توان با الغای خصوصیت، حکم مزبور را به موارد دیگر از جمله مواردی که اشخاص براساس کتمان حقایق، از انتشار آثار فکری خود ممانعت می‌کنند، تسری داد. علاوه بر آیات مزبور، روایاتی نیز بر ممنوعیت کتمان علم دلالت دارند. از جمله در حدیث نبوی آمده است که «هر کسی از علمی که نسبت به آن آگاهی دارد مورد پرسش قرار گیرد و آن را کتمان کند، روز قیامت به لجامی از آتش گرفتار خواهد آمد»^۳.

البته باید توجه داشت، آن‌گونه که برخی فقها (نراقی، ۱۴۱۷ ق، ص ۵۵۱) با تکیه بر برخی احادیث، بیان داشته‌اند، ادله مزبور ناظر بر اصول عقاید، فضائل اخلاقی و حلال و حرام شریعت است. در این راستا، برخی (درینی، ر.ک. موسوی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴-۱۴۳) حرمت کتمان را ناظر به موضوع‌هایی مانند وجوب إفتاء، لزوم تدریس و تعلیم علوم و دروس معهود، و لزوم اجتناب از پوشیده‌ماندن حقایق علمی و مسائل سیاسی اجتماعی که موجب بروز کژوی و نادرستی در جامعه می‌شود، دانسته‌اند.

توجه به مفاد دلیل مورد بررسی به این امر هدایت می‌کند که ادله مزبور صرفاً برخی حقوق معنوی مربوط به آثار ادبی و هنری مذکور، از جمله حق افشای اثر را در بر می‌گیرد و مواردی مانند حق بر نام و حرمت اثر را شامل نمی‌شود. همچنین، ادله مذکور بر ابعاد مادی حقوق ادبی و هنری ناظر نیست. به علاوه، باید توجه داشت آنچه درباره حرمت کتمان علم گفته شد، به معنی

۱. «کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان

کنند، خدا آن‌ها را لعنت می‌کند و همه لعن‌کنندگان نیز آن‌ها را لعن می‌کنند» (بقره: ۱۵۹)

۲. «مگر آن‌ها که توبه و بازگشت کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند (و آنچه را کتمان کرده بودند،

آشکار ساختند) من توبه آن‌ها را می‌پذیرم که من تواب و رحیم» (بقره: ۱۶۰) (ر.ک. قرآن کریم با ترجمه آیت‌الله

مکارم شیرازی)

۳. «من سئل عن علم یعلمه فکتمه، ألیجم یوم القیامه بلجام من النار.» (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۴۷)

نادیده گرفتن حقوق فردی افراد نیست. بلکه ضمن رعایت مصالح عمومی جامعه در موارد ضروری، باید حقوق فردی اشخاص نیز محترم دانسته شود. به این دلیل، امروزه احترام به اسرار تجاری و ممنوعیت افشای غیرقانونی آن، پذیرفته شده است و مواد ۶۴ و ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی به آن تصریح کرده است.

درباره تأثیر اخلاق حسنه و نظم عمومی بر حق افشای اثر نیز، از سویی، آثار مغایر با اخلاق حسنه و نظم عمومی (از جمله کتب ضالّه، تصاویر و فیلم‌های غیراخلاقی و هرزه‌نگاری در محیط دیجیتال)، به‌طور اصولی، قابل حمایت نیست و حقوق معنوی از جمله حق افشای اثر درباره آن منتفی است. حتی باید توجه کرد قانونگذار ایران درباره آثار مورد بحث، در مواردی به جرم‌انگاری‌هایی نیز اقدام کرده است.^۱

مبحث دوم: اجرای حق افشا و پایان آن

از مسائل دیگر حق افشا، مسئله اجرای حق افشا و پایان آن است. در این راستا، دو بند، ماهیت حقوقی اجرای حق افشا و شرایط آن و تأثیر اجرای حق بر پایان یافتن حق افشا، بررسی می‌شود.

بند نخست: اجرای حق افشا

بی تردید، اعمال حق افشا نوعی عمل حقوقی یک‌جانبه است که به وسیله دارنده حق مزبور صورت می‌پذیرد. با این وصف، بدیهی است اعمال حق مزبور نیازمند اراده سالم است. البته اراده نیز برای ورود به فضای حقوق، باید به نحوی ابراز شود. درباره لزوم اعلان اراده و وجود مبرز خارجی در اعمال حقوقی یک‌جانبه (ایقاعات)، در نظام حقوقی ایران اختلافاتی است. برخی (امامی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۱،

۱. برای نمونه، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند، مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ از این قبیل است. این قانون از جرایم و مجازات‌های مربوط به تولید، تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل سخن گفته است.

ص ۴۹) در این زمینه به لزوم وجود مبرز خارجی برای تحقق عمل حقوقی یک‌جانبه اعتقاد ندارند، هرچند ایشان نیز ابراز اراده را از باب اثبات (و نه ثبوت) لازم می‌دانند. در مقابل، گروهی دیگر (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵-۱۶۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۴۸۷؛ محسنی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۳-۱۷۰؛ همچنین، در فقه رک. نائینی، ۱۴۲۱ ق.، ص ۳؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸ ق.، ص ۸۶) به درستی، وجود مبرز خارجی را شرط تحقق ایقاع می‌دانند. در نظام حقوقی فرانسه نیز، اصولاً ایقاعات تابع قواعد عمومی حاکم بر عقود دانسته شده است و لزوم ابراز اراده نیز از این قاعده استثنا نشده است، بلکه با سخت‌گیری بیش‌تری در این زمینه برخورد شده است (cf. Flour et al., 2002, pp.377-378). با توجه به مطالب یادشده، درباره اعمال حق افشا به عنوان عمل حقوقی یک‌جانبه نیز علاوه بر وجود اراده، اعلان آن ضروری است.

درباره وجود اراده نیز باید توجه کرد اراده باید ناظر بر اعمال حق افشا به مفهوم پیش‌گفته باشد. به بیان دیگر، دارنده حق باید در مقام تصمیم‌گیری درباره افشای اثر و عرضه آن به عموم باشد. بنابراین، اگر پدیدآورنده اثر خود را در اختیار شخص یا اشخاص محدودی برای دریافت نظرهای انتقادی ایشان و تکمیل یا تصحیح بعدی اثر، قرار دهد، چنین امری بر تصمیم‌گیری درباره افشا دلالت ندارد. راه‌حل مطرح‌شده یکی از آرای قضایی فرانسه در این زمینه، مربوط به سال ۱۹۰۰^۱ شایان توجه است. توضیح اینکه نقاشی به نام ویستلر^۲، بنا به سفارش شخصی به نام لیدی ادن^۳، تصویری از چهره وی ترسیم کرده بود و آن را در سالنی^۴ در معرض نمایش قرار داده بود. ولی در نهایت، آن را به سفارش‌دهنده اثر تحویل نداده بود. دیوان عالی کشور فرانسه با این توجیه که نمایش مزبور فقط به منظور ملاحظه عکس‌العمل‌های انتقادی بوده است، به هنرمند حق داد. براساس ادعای برخی حقوقدانان فرانسه (Lucas, 2001, p.315)، در واقع، رأی مزبور مبتنی بر بی‌ارادگی پدیدآورنده در اعمال حق افشای اثر، صادر شده است.

1. Cass. civ., 14 mars 1900 cité par (Lucas, 2001, p.315).
2. Whistler
3. Lady Eden
4. Salon du Champ de Mars

دربارهٔ ابراز اراده نیز باید گفت، براساس اصل رضایی بودن اعمال حقوقی، اراده می‌تواند به هر طریقی اعلان شود و در نظام حقوقی فرانسه که دربارهٔ حق افشا به قانونگذاری نکرده است، شیوهٔ خاصی برای اعمال حق افشا پیش‌بینی نشده است. با توجه به بی‌اهمیتی ابزار ابراز اراده، تصمیم‌گیری برای انتشار اثر می‌تواند به‌طور عملی انجام شود. البته فعل مورد نظر باید به‌طور صریح بر قصد پدیدآورنده و تصمیم‌وی مبنی بر عمومی کردن اثرش دلالت داشته باشد (cf. Pollaud-Dulian, 2005, p.404).

برای نمونه، اصولاً انتشار عمومی اثر یا عرضهٔ آن به عموم، می‌تواند نشان‌دهندهٔ تصمیم پدیدآورنده به افشای اثر باشد. همچنین، دربارهٔ آثار هنری با پایگاه مادی، مانند مجسمه، نقاشی و آثار خطاطی، می‌توان گفت انتقال اثر به دیگری، به‌وضوح ارادهٔ هنرمند مبنی بر افشای اثر را نشان می‌دهد.

در مقابل، برخی نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p.404) به استناد آرای قضایی، معتقدند که تودیع نسخه‌ای از اثر به آرشیوهای ملی^۱، همچنین، سپردن نسخه‌ای از اثر به انبارهای بازار هنر^۲، اعمال حق افشا محسوب نمی‌شود. همچنین، به اعتقاد ایشان (Pollaud-Dulian, 2005, p.405)، ناتمام بودن اثر نیز، به‌خوبی عدم تصمیم به افشای اثر را نشان می‌دهد. با وجود این، اگر پدیدآورنده به افشای اثر قرارداد کند، ناقص بودن اثر مانع اعمال حق افشا نیست.

به این ترتیب، براساس یک پرونده، یک هنرمند نقاش به‌دلیل نارضایتی از تابلوی نقاشی خود، آن را پاره کرده و داخل سطل زباله ریخته است و شخص ثالثی قطعات تابلوی مزبور را بدون موافقت نقاش، جمع‌آوری و بازسازی کرده بود. در این مورد، رویهٔ قضایی فرانسه^۳ عمل مزبور را ناقض حق معنوی هنرمند مزبور مبنی بر افشای اثر دانسته است.

انعقاد قرارداد بهره‌برداری از اثر خلق‌شده می‌تواند بر اعمال حق افشا دلالت داشته باشد. در

1. Archives nationales

2. Entreposage de tableaux dans les réserves d'un marchand d'art

3. Paris, 6 mars 1931, cité par (Pollaud-Dulian, 2005, p.406).

واقع، در فرضی که پدیدآورنده با انعقاد قرارداد بهره‌برداری، اجازه انتشار یا عرضه اثرش به عموم را اعطا می‌کند، هم‌زمان، حق خود مبنی بر افشای اثر را نیز اعمال می‌کند.

در عین حال، باید توجه کرد انعقاد قرارداد بهره‌برداری لزوماً و در همه موارد، کاشف از اعمال حق افشا نیست. همان‌طور که اگر پدیدآورنده اثر ادبی قبل از تکمیل اثر قرارداد بهره‌برداری انعقاد کند، تنظیم قرارداد مزبور لزوماً به معنی اعمال حق افشای اثر نیست، و با توجه به حق یادشده، پدیدآورنده می‌تواند پس از اتمام اثر، برای عدم افشای آن تصمیم بگیرد. شایان ذکر است حق اخیر نباید با حق اصلاح یا استرداد که لاحق بر افشای اثر می‌باشد، خلط شود.

همچنین، در رویه قضایی فرانسه، ارائه نسخه دستنویس منتشرنشده اثر در خلال مذاکره قضایی، هرچند ویژگی تجاری ندارد، افشای اثر محسوب می‌شود (کرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۱).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، وجود اراده و چیزی که به نحوی بر اراده دلالت دارد، برای اجرای حق افشا اهمیت دارد. در این میان، شیوه ابراز اراده و ابزار آن نیز اهمیت ندارد. با این همه، برخی حقوقدانان فرانسه (Lucas, 2001, p.313) علاوه بر وجود اراده، ارائه اثر به عموم، وجود فعل مادی افشا را نیز برای تحقق عمل حقوقی مورد بحث لازم می‌دانند. ایشان برای اثبات این ادعا، کلمه Divulger را از نظر لغوی بررسی کرده‌اند و معتقدند از نظر لغوی، کلمه Divulger عبارت است از «در معرض شناخت عموم قرار دادن (porter à la Connaissance du public)».

بنابراین، حق افشای اثر باید با یک فعل مادی مانند انتشار، که در آن نوعی تجلی و تظاهر خارجی است، همراه باشد. ایشان برای تأیید نظر خود به مقدمه دستور اول ژرمینال^۱ سال ۱۳ (۲۲ مارس ۱۸۰۵) استناد می‌کنند که مقرر کرده بود «اثری که منتشر نشده، همچون اثری است که وجود ندارد».

1. Germinal

ژرمینال ماه هفتم از ماه‌های تقویم جمهوری فرانسه است. تقویم مزبور از سال ۱۷۹۲ آغاز شد و در اول ژانویه ۱۸۰۶ لغو شد. در این زمینه، رک. (<http://fr.wikipedia.org/wiki/Germinal>)

ادعای مزبور قابل انتقاد است. زیرا از مبانی بیان شده برای حق افشا استنباط می‌شود که حق مزبور ناظر به تصمیم‌گیری درباره افشای اثر است، و قابل تفکیک از تحقق عملی افشای اثر است. در واقع، حمایت از شخصیت پدیدآورنده اقتضا می‌کند تصمیم‌گیری درباره افشای اثر ادبی و هنری، موضوع حق معنوی و در انحصار پدیدآورنده قرار گیرد. او با اعمال حق تصمیم‌گیری، معذور پیش‌گفته را برداشته و امکان افشای اثر را فراهم کرده است. البته افشای مادی اثر نیز نیازمند رضایت پدیدآورنده است ولی مسئله اخیر با حقوق مالی پدیدآورنده توجیه می‌شود.

با توجه به لزوم احراز اراده مبنی بر اعمال حق افشای اثر به عنوان رکن عمل حقوقی، باید مشخص کرد چه شخص یا اشخاصی عمل حقوقی مزبور را افشا کنند. واضح است پدیدآورنده‌ای که اهلیت استیفا دارد، به طور قطع، صلاحیت اجرای حق مزبور را دارد. لیکن با توجه به ارتباط وثیق حق افشا با شخصیت پدیدآورنده، مسئله قابل بررسی این است که آیا نماینده قراردادی پدیدآورنده می‌تواند حق مزبور را از طرف پدیدآورنده اعمال کند و در صورت محجور بودن پدیدآورنده، اعمال حق چگونه خواهد بود؟ به علاوه، در صورتی که پدیدآورنده قبل از وفات حق افشا را اعمال نکند، آیا ورثه می‌توانند درباره افشای اثر تصمیم‌گیری کنند؟

در نظام حقوقی فرانسه، با توجه به ویژگی شخصی بودن حق افشا، اعمال آن توسط نماینده قراردادی پذیرفته نشده است و رضایت شخصی لازم دانسته شده است. دیوان عالی کشور فرانسه^۱ نیز تصریح کرده است که هیچ شخصی نمی‌تواند در این زمینه، به جای پدیدآورنده تصمیم بگیرد. همچنین، در ماده 7-132 L. قانون مالکیت فکری فرانسه در مقام بیان احکام مربوط به قرارداد انتشار، بر لزوم رضایت شخصی پدیدآورنده^۲ تأکید شده است و حتی درباره محجورین نیز رضایت شخصی ایشان لازم دانسته شده است. همان‌طور که برخی نویسندگان فرانسوی (Colombet, 1976, p.237) اظهار کرده‌اند، دلیل وجودی این قاعده، جلوگیری از نقض حقوق

1. cass. Civ. I. 5 juin 1984, cité par (Pollaud-Dulian, 2005, p.406)

2. Consentement personnel

معنوی پدیدآورنده است. طبیعی است با توجه به منطبق یادشده، قرارداد انتشار در این زمینه موضوعیت ندارد و حکم مزبور در همه قراردادهای بهره‌برداری مجری است (cf. Pollaud-Dulian, 2005, p.580; Colombet, 1976, p.237; Desbois, 1966, p.559). به هر حال، ویژگی شخصی بودن حق افشا، مباشرت پدیدآورنده فاقد اهلیت را در اجرای حق افشا لازم می‌کند.^۱

البته باید توجه کرد لزوم رضایت شخصی پدیدآورنده محجور و مباشرت وی در اعمال حق افشا، ناظر به موارد غیرممکن نیست. لذا، در مواردی که محجور به دلیل ناتوانی جسمی مانند جنون اطباقی، به اعلام رضایت یا تصمیم‌گیری برای افشای اثر قادر نیست، نماینده قانونی وی حق اقدام از طرف او را خواهد داشت (Pollaud-Dulian, 2005, p.580: کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱).

با توجه به نکات یادشده، هرچند در حقوق فرانسه اجرای حقوق مالی از طریق نمایندگی امکان‌پذیر است، لیکن اعمال جنبه‌های معنوی آمیخته به آن اصولاً در حیطة صلاحیت پدیدآورنده است. ضمانت اجرای این قاعده (لزوم رضایت شخصی پدیدآورنده) بطلان نسبی^۲ اعمال حقوقی است که بدون رضایت شخصی پدیدآورنده درباره انتشار یا عرضه اثر وی منعقد شده است (Colombet, 1976, p.238).

در نظام حقوقی ایران نیز حمایت از شخصیت پدیدآورنده به عنوان مبنای مهم پذیرش حق افشای اثر ایجاب می‌کند پدیدآورنده شخصاً درباره افشای اثر خویش تصمیم‌گیری کند. بنابراین، در نظام حقوقی ایران نیز توکیل اجرای حق افشای اثر پذیرفته نیست. البته توکیل در مقام بهره‌برداری از حقوق مالی اثر پس از تصمیم‌گیری درباره افشای اثر مانعی ندارد.

درباره اجرای حق افشای اثر متعلق به محجورین، به نظر می‌رسد اصولاً حجر محجورینی که قدرت تصمیم‌گیری برای افشای اثر خویش دارند، ناظر بر استیفای حقوق مالی ایشان (از جمله حقوق مالی ناشی از اثر ادبی و هنری) است. بنابراین، اجرای حق افشای اثر توسط ایشان مانعی

1. Lucas, 2001, p.312.

۲. درباره مفهوم بطلان نسبی، رک. محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷-۲۵۱.

ندارد. لیکن حجر محجورین فاقد اراده، عام است و حق افشای اثر را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین، در نظام حقوقی ایران نیز، حق افشای اثر متعلق به محجورین مزبور توسط نماینده قانونی ایشان اجرا خواهد شد.

درباره حق افشای اثر پس از فوت پدیدآورنده در آثاری که در زمان حیات وی درباره افشای آن تصمیم‌گیری نشده است، براساس ماده 2-121.L قانون مالکیت فکری فرانسه، پس از فوت پدیدآورنده، اجرای حق افشا در صلاحیت شخص یا اشخاصی دانسته شده است که براساس وصیت تعیین شده‌اند. اگر وصیتی وجود نداشته باشد یا اشخاص مذکور فوت شده باشند، و همچنین، پدیدآورنده ترتیبات خاصی برای اجرای حق مزبور پیش‌بینی نکرده باشد، به ترتیب، اولاد پدیدآورنده، همسر او، و ورثه دیگر علاوه بر اولاد و اشخاصی که همه ماترک به ایشان وصیت یا هبه شده است، صلاحیت اجرای حق افشا را دارند.

براساس ماده 3-121.L قانون مالکیت فکری فرانسه، حق افشای اثر پس از فوت پدیدآورنده محدودیت‌هایی دارد. در واقع، اگر اشخاص صلاحیت‌دار برای اجرای حق افشای اثر پس از فوت پدیدآورنده، سوءاستفاده آشکار و مسلم^۱ کنند، دادگاه شهرستان تدابیر مناسب را اتخاذ خواهد کرد. بر این اساس، همان‌طور که برخی حقوقدانان فرانسه (کرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۲) بیان کرده‌اند، می‌تواند دستور مقتضی مبنی بر افشا یا جلوگیری از افشای اثر را صادر کند. همچنین، براساس ماده مزبور، اگر اشخاص مذکور وجود نداشته باشند یا شناسایی نشوند، یا میان اشخاص یادشده اختلاف پدید آید، یا این که ایشان از انجام‌دادن وظایف خود سر باز زنند، دادگاه شهرستان دخالت خواهد کرد. در این موارد، وزیر فرهنگ نیز برای انجام‌دادن اقدام مورد نیاز حق مراجعه به دادگاه دارد.

درباره حق افشای اثر پس از فوت پدیدآورنده در نظام حقوقی ایران مقرر قانونی وجود ندارد.

۱. مقصود از سوءاستفاده از حق افشای اثر به‌کارگیری حق مزبور به نحوی است که با اراده مشخص و مفروض پدیدآورنده در تعارض باشد (کرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

لیکن با پذیرش حق افشای اثر در حقوق ایران، حکم مذکور در ماده ۴ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان قابل استفاده خواهد بود. براساس این ماده، «حقوق معنوی پدیدآورنده ... غیرقابل انتقال است.» بنابراین، با توجه به اطلاق ماده مزبور، حق افشا به عنوان حقی معنوی، نه از طریق قراردادی و نه از طریق قهری قابل انتقال نیست و گفته برخی استادان حقوق (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۷؛ برای ملاحظه نظر مشابه رک. سلطانی، ۱۳۸۶، ص ۹۸) مبنی بر انصراف حکم ماده مزبور به انتقال‌های قراردادی پذیرفته نیست.

البته باید توجه کرد هرچند حق افشای اثر به ورثه منتقل نمی‌شود، لیکن اجرای حق معنوی پس از وفات پدیدآورنده، اجرای حق مزبور به نام پدیدآورنده در صلاحیت ورثه وی است و در اعمال حق مزبور نماینده پدیدآورنده محسوب می‌شود (در تأیید این نظر، رک. کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۲۹۹).

بند دوم: پایان حق افشا

همان‌طور که بیان شد، پدیدآورنده اصولاً تنها شخصی است که می‌تواند درباره افشای اثر خویش تصمیم‌گیری کند. لیکن سؤال این است که آیا حق افشا با اولین اجرای آن پایان می‌یابد؟ به بیان دیگر، در مواردی که افشای اثر به گونه‌های مختلف (از جمله افشا به صورت نوشتاری، شنیداری، دیداری، الکترونیک و جز آن) امکان‌پذیر است، آیا حق افشای اثر با افشای عملی آن به یکی از اشکال مزبور پایان می‌یابد، یا پدیدآورنده همچنان از حق افشای اثر به شیوه‌های دیگر برخوردار است؟

این مسئله موجب بروز اختلاف‌های فراوانی در دکترین و رویه قضایی فرانسه شده است. به‌ویژه پیدایش ابزارهای جدید الکترونیک، از جمله اینترنت به اهمیت این بحث‌ها افزوده است (Lucas, 2001, p.317).

برخی حقوقدانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p.407; Desbois, 1966, p.431) معتقدند

حق تصمیم‌گیری با اولین استفاده پدیدآورنده، پایان نمی‌یابد. در تأیید این نظر به برخی آرای قضایی^۱ نیز استناد شده است. براساس این نظریه، اگر توزیع‌های یک اثر در امتداد و روح انتشار اولیه قرار گیرد، تجاوز به حق افشا مطرح نیست. لیکن در فرضی که به‌کارگیری اثر کاملاً متفاوت از چیزی است که پدیدآورنده در زمان تصمیم‌گیری در افشای اثر در نظر داشته است، باید پدیدآورنده حق افشا دوباره اعمال کند. به بیان دیگر، پدیدآورنده می‌تواند تصمیم به افشای اثرش را صرفاً مختص به برخی زمینه‌های خاص کند. در این صورت، به‌کارگیری اثر در موارد دیگر لطمه به حق افشا محسوب می‌شود.

برای نمونه، اگر مقصود پدیدآورنده یک سرود از افشای آن به‌کارگیری سرود مزبور در تبلیغات تجاری یا سیاسی نباشد، حق افشای وی در زمینه‌های اخیر باقی است و چنانچه اثر مزبور در زمینه‌های یادشده بدون رضایت وی به‌کار گرفته شود، حق افشای وی نقض شده است. زیرا به‌کارگیری یک اثر در زمینه‌هایی که مقصود پدیدآورنده اثر نبوده است، موجب تغییر ادراک عموم از اثر می‌شود و با هدفی که توجیه‌گر افشای اولیه آن است، هماهنگ نیست. (Pollaud-Dulian, 2005, p.407) نمونه دیگری که در این زمینه از رویه قضایی نقل شده است (Pollaud-Dulian, 2005, p.408)، فرضی است که یک استاد، مطالب درسی خود را به‌طور شفاهی ارائه کرده است. افشا به شیوه مزبور به معنی تصمیم‌گیری برای افشای اثر به شیوه‌های دیگر، از جمله انتشار کتبی نیست.

همچنین، در تأیید نظری که براساس آن، حق افشا با اولین افشای اثر پایان نمی‌یابد، به ارتباط وثیق اثر ادبی و هنری به شخصیت پدیدآورنده استناد شده است. در واقع، بسیط دانستن حق افشا و پایان یافتن آن بدون در نظر گرفتن شیوه‌ها و انواع مختلف ارائه اثر به عموم با این خطر مواجه است که فراتر از خواسته پدیدآورنده، یا حتی مغایر با خواست و اراده پدیدآورنده به او نسبت

1. Paris 9 décembre 2001; Paris 25 juin 1996; Paris 10 octobre 2003; TGI paris, 24 mars 1982; paris, 12 décembre 2001; paris, 14 février 2001; Trib. Com. Lyon, 28 avril 1997.

داده شود. زیرا پدیدآورنده تصمیم خود مبنی بر افشای اثرش را به شیوه خاصی مقید نکرده است. به علاوه، ماده ۲-۱۲۱.L قانون مالکیت فکری فرانسه مؤید این نظر است. توضیح این که براساس ماده مزبور، «فقط پدیدآورنده حق افشای اثر را دارد. ... او شیوه افشا و شرایط آن را تعیین می‌نماید...»^۱ در واقع، اگر حق افشا فارغ از شیوه و شرایط برگزیده شده پدیدآورنده پایان یابد، چه فایده‌ای برای تصریح قانونی مزبور و تقیید افشا به شیوه و شرایط تعیین شده پدیدآورنده می‌توان تصور کرد؟ (cf. Lucas, 2001, p.317)

برخی نویسندگان فرانسوی (Lucas, 2001, pp.317-318)، برخلاف موجه دانستن دلایل یادشده، آن را قانع‌کننده ندانسته‌اند. به اعتقاد ایشان، حق افشای اثر با اولین افشای آن پایان می‌یابد. البته مهم این است که افشا باید با فعل مادی همراه باشد، که بیان‌کننده قصد پدیدآورنده برای ارائه اثر به عموم باشد به طوری که درباره اراده وی برای به‌عهده گرفتن مسئولیت اثر هیچ ابهامی وجود ندارد. در واقع، وقتی پدیدآورنده یک اثر ادبی و هنری برای افشای اثر خود تصمیم می‌گیرد، مسئولیت اثر را پذیرفته است. آن‌ها ماده ۲-۱۲۱.L قانون مالکیت فکری را نیز توجیه‌کننده ادعای مخالف نمی‌دانند. زیرا این ماده، گرچه در فصل مربوط به حقوق معنوی پدیدآورنده^۲ ذکر شده است، لیکن به‌طور هم‌زمان دو دغدغه معنوی و مالی را دربردارد. در واقع، قسمت ابتدایی ماده، که از اصل حق افشا سخن می‌گوید، حق معنوی پدیدآورنده را مطرح می‌کند و قسمت بعدی که از شیوه و شرایط افشا سخن گفته، ناظر به حقوق مالی پدیدآورنده است. به همین دلیل، در قسمت اخیر به مقررات ماده ۲۴-۱۳۲.L اشاره شده است که انتقال حق انحصاری بهره‌برداری از آثار دیداری- شنیداری (که از حقوق مالی پدیدآورنده است) را مطرح می‌کند و حکم ماده ۲-۱۲۱.L را به رعایت آن مقررات مقید کرده است. بدیهی است میان قید و مقید باید سنجیت باشد. همچنین، در این راستا توجه به حقوق مالی در کنار حقوق معنوی در فصل مورد نظر (فصل مربوط به

1. Article L121-2: L'auteur a seul le droit de divulguer son oeuvre. 4 il d, termine le proc, d, de divulgation et fixe les conditions de celle-ci.

2. Chapitre Ier: Droits moraux (art. L.121-1 à L.121-9)

حقوق معنوی) در ماده 9-121.L قانون مزبور نیز مشاهده می‌شود. در تأیید این نظر، به برخی آرای قضایی نیز استناد شده است.^۱

در تأیید نظر اخیر، برخی ملاحظات استبعادی به نظر نخست نیز مطرح شده است. در این راستا، اظهار شده است پذیرش این مسئله که اثر منتشر شده از ۵۰ سال قبل، بتواند افشانشده فرض شود، دشوار است. همچنین، در فرضی که اثری در شبکه‌های دیجیتال منتشر می‌شود، باید گفت که اثر از فضای خصوصی به فضای عمومی منتقل شده است و اعاده آن ممکن نیست. در واقع، سخن گفتن از بقای حق افشا در فرض مزبور امری تصنعی است (Lucas, 2001, p.317).

متون قانونی در نظام حقوقی ایران درباره این مسئله ساکت است و رویه قضایی و دکترین حقوقی آن را بررسی نکرده است. به نظر می‌رسد با توجه به دلایل تبیین شده، پذیرش نظر دوم ترجیح دارد. زیرا منطق حاکم بر حق افشا، از پدیدآورنده برای تصمیم‌گیری برای ارائه یا عدم ارائه اثر به عموم حمایت می‌کند. بدیهی است اگر پدیدآورنده به نحوی اثر خود را به عموم ارائه کند، مسئولیت اثر را به عهده گرفته و حق افشای خویش را استیفا کرده است. البته تعیین شیوه و شرایط افشا نیز جزء اختیارات پدیدآورنده است که با عنوان حقوق مالی وی بررسی می‌شود. همین نظر در پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری، و حقوق مرتبط که توسط برخی حقوق‌دانان (شبیری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۷-۲۶) تهیه شده است، پذیرفته شده است. توضیح این که براساس بند ج ماده ۲۰ پیش‌نویس لایحه مزبور، حق افشای عمومی اثر یکی از مصادیق حقوق معنوی پدیدآورنده است و حق مزبور ناظر به «تصمیم‌گیری نسبت به نخستین انتشار اثر» دانسته شده است.

باید توجه کرد اثر پذیرش هر یک از دو نظر یادشده، در تعیین قلمرو حق معنوی پدیدآورنده و نقض آن پدیدار می‌شود. در واقع، با پذیرش نظر نخست، به‌کارگیری اثر در شیوه‌هایی که پدیدآورنده اجازه آن را نداده است، نقض حق معنوی پدیدآورنده (حق افشا) محسوب می‌شود و

۱. برای ملاحظه آرای مزبور، رک. (Lucas, 2001, p.318)

ضمانت اجرایی نقض حقوق معنوی را به دنبال خواهد داشت. در حالی که با پذیرش نظر دوم، حق افشا با اولین افشای اثر پایان می‌یابد و به‌کارگیری اثر خارج از چارچوب تعیین‌شده پدیدآورنده نقض حق معنوی نیست و با عنوان نقض حقوق مالی وی و ضمانت اجرایی آن قابل پیگیری است. البته باید توجه کرد، پذیرش نظر دوم به معنی نفی مسئولیت ناشی از خسارت‌های معنوی نیست، بلکه درباره خسارت‌های اخیر باید از قواعد عام مسئولیت مدنی بهره گرفت.

مبحث سوم: آثار حق افشا

اجرای حق افشا آثار متعددی دارد. از سویی، نقش عمل حقوقی مزبور بر پیدایش حقوق مالی پدیدآورنده قابل بررسی است (بند نخست). از سوی دیگر، باید راه برون‌رفت از تعارض میان اعمال حق افشا با اصل لزوم پابندی به قرارداد را بررسی کرد (بند دوم). به علاوه، باید مشخص کرد در فرض ورود خسارت به طرف مقابل در اثر اعمال حق افشا، پدیدآورنده مسئولیت جبران خسارت را دارد یا خیر (بند سوم). همچنین، تأثیر اجرای حق افشا بر امکان توقیف اثر ادبی و هنری شایسته است (بند چهارم).

بند نخست: نقش حق افشا در پیدایش یا اجرای حقوق مالی ناشی از اثر ادبی و هنری

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p.404; Desbois, 1966, p.431)، تصمیم به انتشار، پیش شرط ورود اثر به فضای مالی و بهره‌برداری مالی از اثر است. در واقع، تا زمانی که پدیدآورنده حق تصمیم‌گیری خود در زمینه بر انتشار یا عرضه اثر را اعمال نکرده است، حقوق مالی به مرحله فعلیت نمی‌رسد و در حالت بالقوه باقی می‌ماند.

در مقابل، برخی دیگر (Lucas, 2001, p.314) اجرای حق افشا را شرط پیدایش حقوق مالی ندانسته‌اند، هرچند درهم‌تنیدگی میان حق افشا با حقوق مالی را مطرح کرده‌اند. درهم‌تنیدگی حقوق مزبور با نگاهی به مقررات قانون مالکیت فکری فرانسه نیز مشخص می‌شود. برای نمونه، برخلاف تفکیک مقررات حقوق مالی و حقوق معنوی در قانون مزبور، مواد L.121-8 و L.121-9 این قانون در قسمت مربوط به حقوق معنوی، هم‌زمان حقوق مالی پدیدآورنده نیز مطرح شده

است (Lucas, 2001, p.313). به نظر می‌رسد عقیده نخست در نظام حقوقی ایران بیش‌تر قابل دفاع است. زیرا تا زمانی که پدیدآورنده حق افشای اثر خود را اجرا نکرده است، امکان بهره‌برداری مالی از اثر وجود ندارد. توجه به تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی نیز مؤید این برداشت است. توضیح این که براساس تبصره مزبور، توقیف اثر منتشرنشده (اثری که برای افشای آن تصمیم‌گیری نشده) به منظور بهره‌برداری مالی از آن، منوط به «رضایت» پدیدآورنده است.

البته باید توجه کرد اجرای حق افشا ملازمه‌ای با بهره‌برداری مالی از اثر ندارد (Pollaud-Dulian, 2005, p.404; Lucas, 2001, p.314). به بیان دیگر، ممکن است پدیدآورنده حق افشا را اجرا کند ولی هیچ بهره‌برداری مالی از اثر خود نکرده باشد.

تبعیت حقوق مالی از حقوق معنوی به‌ویژه حق افشای اثر، طوری است که حتی استثنائات حقوق مالی نیز به رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده مقید دانسته شده است. به تعبیر برخی نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, p.506)، تجویز قانونی تکثیر رایگان اثر نافی احترام لازم به حقوق معنوی نیست. به همین دلیل، برای نمونه در همه استثنائاتی که در بند ۳ ماده L.121-5 قانون مالکیت فکری فرانسه بیان شده است، مقید شده است که پدیدآورنده اثر خویش را افشا نکرده باشد. به همین جهت، در رویه قضایی فرانسه^۱ نقل قول از اثری که افشا نشده، ممنوع اعلام شده است. در نظام حقوقی ایران نیز، استثنائات حقوق مالی فرع بر اجرای حق افشای اثر است. برای نمونه ماده هفت قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است» را با شرایطی مجاز دانسته است. بنابراین، مقرر مزبور، انتشار قبلی اثر را شرط به‌کارگیری رایگان در قالب نقل از اثر دانسته است. منطبق حاکم بر حکم مزبور در استثنائات دیگر بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری نیز وجود دارد. به علاوه، در ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی، تألیفات منتشرنشده از اسرار تجاری محسوب می‌شود و تحصیل غیرقانونی آن، براساس ماده ۶۴ قانون مزبور، جرم‌انگاری شده است.

1. Cass. civ. II, & juillet 1981; TGI Paris 17février 1999 cité par Pollaud-Dulian, 2005, p.506.

بند دوم: تأثیر حق افشا بر اصل الزام‌آوربودن قراردادهای

در مواردی ممکن است اجرای حق افشا با تعهدات قراردادی پدیدآورنده در تعارض باشد. این مسئله به‌ویژه در فرض انعقاد قرارداد سفارش اثر مطرح می‌شود. توضیح اینکه چنانچه پدیدآورنده به تهیه اثری ادبی یا هنری متعهد شده باشد، با توجه به حق افشای اثر خود، ممکن است به عدم افشای اثر مزبور تصمیم بگیرد. در واقع، از سویی پدیدآورنده به دلیل حق افشا، اختیار ممانعت از افشای اثر دارد و از سوی دیگر، وی تعهد دارد اثر مزبور را تهیه و به طرف قرارداد تحویل دهد. بنابراین، باید مشخص کرد در تقابل مزبور کدام جهت ترجیح دارد.

در پاسخ به سؤال مزبور، رویه قضایی و دکترین حقوقی فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, pp.408-410; Lucas, 2001, p.320) نظر به ترجیح حق معنوی (حق افشای اثر) داده‌اند. در این راستا، برخی حقوقدانان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005, pp.408-409) اظهار کرده‌اند از سویی، انعقاد قرارداد سفارش اثر تلازمی با چشم‌پوشی از حق افشای اثر ندارد؛ از سوی دیگر، حق افشای اثر حقی معنوی و مرتبط با شخصیت پدیدآورنده است و قابل اسقاط نیست؛ به‌ویژه قبل از خلق یا تکمیل اثر، برای پدیدآورنده، ارزیابی نتیجه کار خود و برآوردی آشکار از آثار افشای اثر میسر نیست. به علاوه، براساس قواعد عام حقوق مدنی، امکان الزام شخص به انجام دادن عین تعهدات کاملاً شخصی وجود ندارد. ماده L.111-1 قانون مالکیت فکری فرانسه نیز تأیید می‌کند قرارداد سفارش، بر حق افشا تأثیر محدودکننده ندارد.

دیوان عالی کشور فرانسه نیز، در سال ۱۹۰۰ در دعوی ادن علیه ویستلر^۱، راه‌حل مشابهی برگزیده است. توضیح این که ویستلر در مقابل ادن به ترسیم و نقاشی چهره وی و تسلیم اثر به او متعهد شده بود. لیکن برخلاف تعهد مزبور، از تحویل نقاشی که ترسیم کرده بود، خودداری کرد. در این دعوی، دیوان عالی کشور فرانسه به نفع هنرمند نقاش، رأی صادر کرد. براساس این رأی، «قراردادی که یک نقاش به وسیله آن متعهد به انجام یک نقاشی از چهره (portrait) در ازای ثمنی

1. Eden c. Whistler

معین گردیده، قراردادی با ماهیت و طبیعت ویژه است، که براساس آن مالکیت تابلو برای سفارش دهنده آن، به طور قطعی، حاصل نیامده است مگر این که هنرمند تابلو را در اختیار وی قرار داده باشد و بدینوسیله با آن موافقت کرده باشد.^۱

در باره موضوع مورد بررسی در نظام حقوقی ایران، برخی اساتید (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۵)، به دلیل سکوت متون قانونی و فقدان رویه قضایی معتبر، راه حل مسئله را در قواعد عام قراردادهای جست و جو کرده اند. بنابراین و براساس اصل لزوم قراردادهای، ایشان معتقدند که پدیدآورنده نمی تواند پس از تکمیل اثر از تسلیم آن برخلاف قرارداد خودداری کند و متعهدله می تواند اجبار او را به انجام دادن تعهد خواستار شود.

به نظر می رسد پاسخ مسئله مبتنی بر پذیرش یا عدم پذیرش حق افشای اثر در نظام حقوقی ایران است. در صورت پذیرش حق مزبور، پاسخ به سؤال مورد نظر نیازمند توجه به فروض مختلف است. در واقع، از سویی باید کامل شدن اثر و کامل نشدن آن را تفکیک کرد و از سوی دیگر، باید به رضایت مندی یا نارضایتی پدیدآورنده از اثری که پدید آورده، توجه کرد.

با توجه به ملاحظات مذکور، باید دو فرض را تفکیک کرد. از سویی، ممکن است پدیدآورنده از اثر خویش رضایت نداشته باشد، در این صورت، الزام پدیدآورنده به تکمیل اثر و یا الزام وی به تسلیم اثر (در فرض ناقص بودن اثر)، موجه نیست. زیرا الزام های مزبور با شخصی بودن تعهد و لزوم حمایت از شخصیت پدیدآورنده در تعارض است.^۲ البته در فرض کامل بودن اثر، چنانچه پدیدآورنده رضایت نداشته باشد، قاعده کلی این است که براساس حکم ماده ۲۱۹ قانون مدنی که بیان کننده اصل لزوم وفای به قرارداد و ناممکن بودن فسخ آن، جز در موارد قانونی است، پدیدآورنده ملزم به اجرای تعهد خویش و تسلیم اثر است. با وجود این، اگر در چنین فرضی حق مخالفت پدیدآورنده با افشای اثر به نحوی وارد قرارداد شود، حق مزبور به دلیل انتساب به اراده

1. Cass. civ., 14 mars 1900 cité par Pollaud-Dulian, 2005, pp.408-409.

۲. درباره عدم امکان الزام به انجام تعهدات شخصی، رک. کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱-۲۶۲.

طرفین قرارداد پذیرفته خواهد شد. همچنین، در صورتی که پابندی به تعهدات قراردادی موجب ضرر معتابه و حرج پدیدآورنده شود، می‌توان با استناد به قاعده لاضرر و قاعده نفی عسر و حرج، و رعایت احکام مربوط به آن، دست از لزوم قرارداد برداشت و به‌طور عملی، به پدیدآورنده اختیار اعمال حق افشا را اعطا کرد، زیرا ادله قواعد مزبور حاکم بر ادله لزوم قرارداد است (در این زمینه، رک. موسوی بجنوردی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲۳۵، ۲۵۶ و ۲۶۴؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶۵-۲۶۳؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۲۹۶).

از سوی دیگر، ممکن است پدیدآورنده از اثر خود، که به‌طور ناقص یا کامل پدید آورده است، رضایت داشته باشد. بدیهی است در صورت کامل بودن اثر، دلیلی بر چشم‌پوشی از نیروی الزام‌آور قرارداد وجود ندارد. منطبق حاکم بر حق افشای اثر نیز در این مورد وجود ندارد. بنابراین، در صورت سوءاستفاده پدیدآورنده از حق مزبور و ممانعت از تحویل اثری که از آن رضایت دارد، می‌توان او را به اجرای عین تعهد ملزم کرد. البته باید توجه کرد حکم مزبور در فرض ناقص بودن اثر ظرافت دارد. توضیح اینکه اگر اثر ناقص که مورد رضایت پدیدآورنده نیز هست، خود مقصود بالأصله و مطلوب طرف قرارداد باشد، امکان الزام پدیدآورنده به تحویل اثر موجود مانع ندارد.^۱ لیکن اگر اثر مزبور خود اصالتاً مطلوبیتی نداشته باشد، آن چه خلق شده با موضوع تعهد مغایرت دارد که مانع الزام پدیدآورنده به تسلیم اثر موجود است (برای ملاحظه تبیین متفاوت از شقوق مزبور، رک. حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۵۸-۵۷).

بند سوم: مسئولیت ناشی از اجرای حق افشا

بدیهی است در مواردی که با پذیرش حق افشای اثر، پدیدآورنده از تعهد قراردادی خود رهایی می‌یابد، وی باید وجوه دریافتی از طرف مقابل بابت تعهد مزبور را پس دهد. لیکن سؤال این است

۱. البته از آنجا که تعهد به‌طور کامل اجرا نشده است، طرف مقابل می‌تواند از ضمانت اجرای متناسب برای نقض تعهد مربوط به تتمه تعهد بهره ببرد.

که آیا پدیدآورنده بابت خسارت‌های احتمالی که به طرف قرارداد وارد می‌آید، مسئولیتی دارد یا خیر؟

در نظام حقوقی فرانسه برای پاسخ به سؤال مزبور، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. برخی (Lucas, 2001, p.320) با تکیه بر قواعد عام قراردادها و استناد به برخی آرای قضایی، از لزوم جبران خسارت‌های مزبور سخن گفته‌اند. در مقابل، برخی دیگر (Pollaud-Dulian, 2005, pp.410-411) ضمن انتقاد از نظر مزبور، به عدم مسئولیت پدیدآورنده در این زمینه معتقدند. آن‌ها معتقدند که پدیدآورنده حق خویش را اعمال می‌کند و در این راستا، تقصیری مرتکب نشده است. در واقع، به اعتقاد ایشان، فقط در صورت اثبات ویژگی متقلبانانه خودداری از انجام دادن تعهد (مانند فرضی که پدیدآورنده به منظور فراهم آوردن امکان انتقال اثر با شرایط بهتر به شخصی دیگر حق یادشده را به کار می‌گیرد)، می‌توان مسئولیت مدنی نامبرده را مطرح کرد.

بررسی مسئله مورد نظر در نظام حقوقی ایران فرع بر پذیرش اصل حق افشا است. به بیان دیگر، چنانچه در هر حال، به الزام پدیدآورنده به انجام دادن تعهد قراردادی معتقد باشیم، مسئله حاضر سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود. لیکن، چنانچه در مواردی به امکان استتکاف پدیدآورنده از تکمیل یا تسلیم اثر معتقد باشیم، باید گفت اعمال حق مزبور منوط به پرداخت خسارت‌های طرف مقابل است. زیرا جمع بین دو حق (حق پدیدآورنده و حق طرف قرارداد) اقتضا می‌کند از سویی، پدیدآورنده بتواند با اعمال حق خود از افشای اثر جلوگیری کند، و از سوی دیگر، برای رفع ضرر وارد به طرف مقابل، باید خسارت‌های وی پرداخت شود.

بند چهارم: منع توقیف

از آثار دیگر حق افشای اثر این است که تا قبل از تصمیم پدیدآورنده مبنی بر افشای اثر، امکان توقیف آن وجود ندارد. در واقع، همان‌طور که قبلاً بیان شد، حقوق مالی ناشی از اثر پس از تصمیم پدیدآورنده به افشای اثر وجود پیدا می‌کند. بنابراین، قبل از افشای اثر، حقوق مالی وجود ندارد تا بتوان به توقیف آن اقدام کرد. به علاوه، باید توجه کرد از آنجا که هدف از توقیف، انتقال حقوق مالی ناشی از اثر است و از سویی، بهره‌برداری از حقوق مالی اثر مشروط به اعمال حق

افشای اثر توسط پدیدآورنده است، عملاً توقیف اثر ادبی و هنری به منظور انتقال بعدی آن بی‌فایده و مهمل است.

ناممکن بودن توقیف پایگاه مادی اثر قبل از افشای آن که در رویه قضایی فرانسه^۱ نیز تأیید شده است، در تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی ایران نیز پذیرفته شده است. براساس مقرر مزبور، «تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها، بدون رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان توقیف نمی‌شود.» البته به نظر می‌رسد، هرچند توقیف به منظور انتقال پذیرفته نیست، لیکن برای جمع میان حق افشای پدیدآورنده و حق طلبکار وی، توقیفی که با حق افشای پدیدآورنده منافات نداشته باشد، مانع ندارد. برای نمونه، در یک اثر ادبی و هنری افشانشده که درباره خالق آن اختلاف وجود دارد، توقیف امکان‌پذیر است. همچنین، درباره آثار مشترک که پدیدآورندگان متعدد دارند، چنانچه یکی از ایشان قصد انتشار اثر را داشته باشد، پدیدآورندگان دیگر می‌توانند برای جلوگیری از اقدام مزبور، توقیف اثر را درخواست کنند.

نتیجه

حق افشا یکی از حقوق معنوی آثار ادبی و هنری است که براساس آن، پدیدآورنده درباره شایستگی اثرش برای ارائه به عموم و هماهنگی اثر مزبور با اهدافش تصمیم‌گیری می‌کند. حق مزبور که در نظام حقوقی فرانسه به صراحت پذیرفته شده است، از برخی متون قانونی ایران نیز استنباط می‌شود. البته شایسته است برای رفع هرگونه ابهام، قانونگذار به‌طور صریح آن را بپذیرد.

حق مزبور ریشه در حمایت از شخصیت پدیدآورنده دارد و از این رو، در زمان حیات وی، منحصرأ نامبرده از آن برخوردار است و انتقال و اسقاط ارادی آن امکان‌پذیر نیست. در صورت فوت پدیدآورنده و اعمال نکردن حق افشا توسط وی، در نظام حقوقی فرانسه امکان اعمال آن

1. cass. Civ. I, 4 juin 1971, cité par Pollaud-Dulian, 2005, p.405.

توسط اشخاصی که براساس وصیت تعیین می‌شوند و در صورت فقدان وصیت، توسط ورثه (با امکان نظارت دادگاه برای جلوگیری از سوءاستفاده) شناخته شده است. ماده چهار قانون حمایت از مؤلفان در نظام حقوقی ایران، مصنفان و هنرمندان، حقوق معنوی را غیرقابل انتقال می‌داند که اطلاق آن عدم انتقال قهری را دربرمی‌گیرد. با این همه، اجرای حق معنوی مزبور توسط ورثه به نمایندگی از متوفی با منعی روبرو نیست، بلکه مقتضای وصف دائمی بودن حق مزبور است.

در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، اعمال حق افشا عمل حقوقی یک‌جانبه است و نیازمند وجود و ابراز اراده است. در این راستا، افشای عملی اثر لازم نیست. بلکه ابراز قصد و تصمیم مبنی بر افشا یا عدم افشای اثر لازم است. با توجه به ارتباط وثیق حق مزبور به شخصیت پدیدآورنده، رضای شخصی وی لازم است و به این جهت، نماینده امکان اعمال حق را ندارد، مگر در فرضی که به دلیل وضعیت خاص پدیدآورنده، امکان مباشرت وی در اعمال حق منتفی است.

با توجه به منطبق حاکم بر حق افشا، حق مزبور با نخستین اعمال آن پایان می‌یابد. البته تعیین شیوه و شرایط افشا با توجه به حقوق مالی پدیدآورنده جزء اختیارات وی محسوب می‌شود و از این نظر، خارج از قلمرو اعمال حق افشا است.

درباره آثار اعمال حق افشا، پیدایش حقوق مالی پدیدآورنده متوقف بر آن است و با توجه به تعارض حق افشا (تصمیم به عدم افشای اثر) با اصل الزام‌آور بودن قراردادها، در نظام حقوقی فرانسه اجرای حق افشا ترجیح داده شده است. در نظام حقوقی ایران، باید دو فرض تفکیک شود؛ چنانچه اثر کامل نشده باشد، اصولاً امکان الزام پدیدآورنده به تکمیل اثر و یا تسلیم اثر ناقص موجه نیست و چنانچه اثر کامل باشد، اصل لزوم وفای به قرارداد جاری است.

به علاوه، جمع میان دو حق (حق پدیدآورنده و حق طرف قرارداد) اقتضا می‌کند که پدیدآورنده خسارت‌های ناشی از اعمال حق افشا را جبران کند. البته این مسئله در نظام حقوقی فرانسه مورد اختلاف است. همچنین، تا زمانی که حق افشا اعمال نشود، اصولاً زمینه توقیف اثر فراهم نیست.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیتی، حمید (۱۳۷۵). حقوق آفرینش‌های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری. تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول.
۳. امامی، اسدالله (۱۳۸۶). حقوق مالکیت معنوی. جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۴. امامی، سیدحسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی. جلد اول، تهران، انتشارات اسلامیه.
۵. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۱). کلیات عقود و قراردادها، حقوق مدنی ۳. تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۶. حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق.). قاعده لاضرر ولاضرار. قم، مکتب آیت‌الله العظمی السیدالسیستانی.
۷. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی (۱۴۱۸ق.). العناوین الفقہیہ. جلد دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۸. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۷). مبانی مالکیت فکری. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۹. زرکلام، ستار (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۰. سلطانی، عباسعلی (۱۳۸۶). «بررسی حقوق ترجمه و مترجم در فقه و حقوق موضوعه». مجله مطالعات اسلامی، شماره ۷۵، صفحات ۱۰۴-۷۷.
۱۱. شبیری، سیدحسن و همکاران (۱۳۸۹). پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط. تهران، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
۱۲. صفایی، سیدحسین (۱۳۸۶). حقوق مدنی و حقوق تطبیقی. تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق.). تفسیر مجمع‌البیان. جلد اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.

۱۴. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). مقدمه علم حقوق. تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۳۱.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). حقوق مدنی، ایقاع. تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع. تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ یازدهم.
۱۸. کرنو، ماری و همکاران (۱۳۹۰). فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی رایت. ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی و پژمان محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۹. کلمبه، کلود (۱۳۸۵). اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان. ترجمه و توضیح علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران، نشر میزان.
۲۰. محسنی، سعید (۱۳۹۰). اشتباه در تشخیص طرف قرارداد (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه). تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.
۲۱. محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۹). «مفهوم و آثار بطلان نسبی». مجله دانش و توسعه، شماره ۳۳، صفحات ۲۷۰-۲۴۵.
۲۲. مصطفوی، سیدمحمد کاظم (۱۴۱۷ق.). مائه قاعده فقهیه. قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم.
۲۳. موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق.). القواعد الفقهیه. جلد اول، قم، نشر الهادی، چاپ اول.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). کتاب‌البیع. جلد چهارم، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
۲۵. موسوی، سیدرضا (۱۳۸۳). «حق تألیف در حقوق اسلامی». مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۴، صفحات ۱۶۶-۱۲۳.
۲۶. نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۲۱ق.). منیه الطالب فی شرح المکاسب (تقریرات درس توسط موسی خوانساری نجفی). جلد دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۲۷. نراقی، ملا احمد (۱۴۱۷ق.). عوائد الأیام. بی‌جا، النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، چاپ ۱.

۲۸. یوناسکو، اورلئان (۱۳۵۵). *حقوق مؤلف*. رادیو و تلویزیون، گزارش کلی مربوط به نهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی (تهران ۱۹۷۴)، ترجمه محسن فرشاد، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره ۲، صفحات ۷۰-۴۳.

29. Code Civil Français.

30. Code de la propriété intellectuelle.

31. Colombet, Claude (1976). *propriété littéraire et artistique*. Paris, Dalloz.

32. Desbois, Henri (1966). *Le droit d'auteur*. 2^e éd, Paris, Dalloz.

33. Eglantine Querub ° Mélanie Bidet-Emeriau, L'exercice post mortem du droit moral, <http://dea-dtcom.u-paris2.fr/Cours/Cours-2008/varet/exposes/lexercicepostmortemdu droitmoral.doc>; last visited: 23/5/2013.

34. Flour, Jacques; Aubert, Jean-Luc et Savaux, Éric (2002). *Les Obligations (L'acte Juridique)*. 2^e éd, Paris, Dalloz.

35. Les chercheurs de l'ERCIM sous la direction de Michel Vivant (2004). *Les grands arrêts de la propriété intellectuelle*. Paris, Dalloz.

36. Lucas, A. et H.-J. (2001). *Traité littéraire et artistique*. 2^e éd, Paris, Litec.

37. Pollaud-Dulian, Frédéric (2005). *Le droit d'auteur*. Paris, Economica.

